

جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتر بلاو»

(صص ۱۱۶-۱۳۹)

عصمت احمدی رکن آبادی<sup>۱</sup>؛ دکتر عزیزاله توکلی کافی آباد(نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

دکتر محمود صادق زاده<sup>۳</sup>

## چکیده

بر اساس نظریه تبادلی پیتر بلاو، هر یک از افراد جامعه، در جریان تبادلات و پیوندهای اجتماعی خود با دانش اندوزی در گروه‌هایی قرار می‌گیرند که پاداش نصیب آن‌ها شود و به واسطه این پاداش، پیوند اجتماعی آن‌ها با علم و خردورزی محکم می‌شود؛ اما اگر این افراد به‌عنوان اعضای جامعه، در فرایند همین معاملات تبادلی، هیچ‌گونه پاداشی در مقابل کنش خود دریافت نکنند، رشته پیوند و تعاملات آن‌ها با علم و دانش‌اندوزی، سست و از هم گسیخته خواهد شد و در نتیجه در همان جهالت باقی خواهند ماند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع نظری تحقیق، تلاش شده است تا محورهای جامعه‌شناسانه نظریه پیتر بلاو در سروده‌های سنایی، مورد کنکاش قرار گیرد تا واکنش افراد جامعه به تصویر کشیده شده، در اشعار وی، در برابر کنش‌های موجود در محیط، تحلیل و بررسی شود. نتایج بررسی حاکی از آن است که وقتی قوه خردورزی انسان بسته باشد در مقابل با ورود هرگونه اطلاعات تازه، قادر به بررسی آن‌ها با دید عقلانی نیست و سنایی در قصایدش، مفاهیم پیرامون جهل و خردورزی را در جلوه‌های تقابلی آن در کنار هم قرار داده و از این راه مخاطبان را نسبت به مسائل تعلیمی بیدار کرده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تعلیمی، پیتر بلاو، جهل، خردورزی، سنایی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران

sana\_yazi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران a.tavakolli@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران - [mdz\\_41@yahoo.com](mailto:mdz_41@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- بیان مسأله

خرد موهبتی است الهی که وجه تمایز انسان و دیگر موجودات است و از گذشته‌های بسیار دور، جایگاه خرد همیشه در اقوام مختلف، ستوده شده و خردمند چشم و چراغ قوم خویش به شمار می‌آمده است. آثار مکتوب به دست آمده، حاکی از آن است که در ایران از کهن‌ترین زمان‌ها، خرد و خردورزی جایگاه والایی داشته است. در جای جای متون کهن این سرزمین از اوستا تا اندرزنامه‌های حکیمان و وصایای شاهان، می‌توان فراوانی ستایش خرد را مشاهده کرد. از طرفی، در آیین مقدس اسلام و قرآن کریم به عقل، بسیار توجه شده است. فرهنگ ایران بعد از اسلام، تلفیقی از اندیشه‌های ایرانی - اسلامی است که در بسیاری موارد، تشخیص ریشه ایرانی یا اسلامی برخی مباحث، دشوار می‌شود. از جمله مباحثی که در فرهنگ و ادبیات ایران دوره اسلامی به فراوانی مورد توجه قرار گرفته است، خرد و خردگرایی است.

«در دوران پس از اسلام، از زمانی که فلسفه و علوم عقلی، به ویژه خردورزی ایرانی در مواجهه با تصوف و عرفان کمر خم می‌کند، با نوشته شدن کتاب‌هایی چون: «تهافت الفلاسفه» و «المنقذ من الضلال»، عقلانیت هم کمرنگ و باعث حبس فکر و فرهنگ ایرانی در تار و پود جهل و نادانی می‌شود» (حلبی و اصفهانی عمران، ۱۳۹۰: ۳). به همین علت است که «امروزه بسیاری از معاصران، این عمل غزالی را عامل ناپدید شدن و انزوای برخی از شخصیت‌های علمی آن روزگاران، همچون ابن‌سینا، فارابی، زکریای رازی و ابوریحان بیرونی دانسته‌اند» (علمداری، ۱۳۸۷: ۲۳۰).

در مقابل جهالت، خردورزی است که رکن اصلی بینش و فرهنگ ایرانی است. انسان خردمند همواره کوشش بر یادگیری دانش و علم دارد و درک بهتری از جهان پیرامون خواهد داشت. از گذشته‌های دور تاکنون، یکی از بهترین و مهم‌ترین آموزه‌ها و اندرزهای بزرگان و فرزندانگان به مردم، پیروی از خرد و دانش بوده است. در جای جای سخنان شاعران و نویسندگان بزرگ تاریخ، این آموزه‌ها را می‌توان یافت.

هنرمند کسی است که می‌تواند جهان خود را در اثری که متعلق به زمانی خاص و با این همه جاودانی باشد، بیان کند؛ اثری که به نوبه خود طنین‌هایی را برانگیخته سازد و به خصوص هیجان‌ات و عقاید و رفتارهای تازه را موجب شود» (وفایی، ۱۳۸۷: ۴۰۳). «شعر هر دوره، با زمینه‌های اجتماعی خود، پیوندی ناگسستنی دارد و تحول شعر و زبان ادبی، فرآیندی اجتماعی است» (کریمی حکاک، ۱۳۸۶: ۳۴) یکی از انواع ارتباط اجتماع و ادبیات، می‌تواند بازتاب نظریه جامعه‌شناسی مبادله اجتماعی پیتر بلاو در سروده‌های شاعران باشد. پیتر بلاو در سال ۱۹۶۴ میلادی با انتشار کتاب «مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی» معتقد بود، سطح ارتباط افراد یکسان نیست، بلکه در ارتباط دو سویه، برخی در مقام پایین و برخی دیگر در مقام بالا قرار می‌گیرند. «او ساختارهای اجتماعی را بر اساس تحلیل فرایند اجتماعی تبیین می‌کند» (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۴۵) و همه رفتارهای افراد را از دریچه یک مبادله بر مبنای چهار مرحله می‌نگرد.

سنایی از مهم‌ترین رهبران و پیشروان ادبیات عرفانی، همواره سعی کرده ادبیات تعلیمی - که اوج آن در بوستان دیده می‌شود - در مضمون سروده‌های خود جای دهد. یکی از این مضامین اندرزگونه در قصاید وی، تشویق افراد به خردورزی و دانش‌اندوزی و در مقابل، تحذیر از جهالت و نادانی است که در وجه تقابلی، آن‌ها را به مخاطب نمایانده است. واکاوی اندیشه‌ها و سبک و سیاق جامعه‌شناسانه شاعری وی، با رویکرد به نظریه جامعه‌شناختی تبادل پیتر بلاو، می‌تواند، گام مؤثری در شناخت مضامین سروده‌های این شاعر و کیفیت توجه او به رفتار اجتماعی مردم در باب جهالت و خردورزی باشد و از آنجا که جامعه به تصویر کشیده شده در آثار ادبی، همان بینش و جهان‌بینی نویسنده را بازتاب می‌دهد، پژوهش در این زمینه می‌تواند ترسیمی از جامعه عصر سنایی از منظر جهل و خردورزی افراد باشد.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت

مهمترین دلیل واکاوی این نظریه در قصاید سنایی غزنوی، نشان دادن فضای کلی بازتاب سطوح رفتار اجتماعی مردم در شعر عصر سنایی است. در این پژوهش، روشن می‌کنیم که فرایند ارتباط متقابل اجتماعی سنایی، شاعر قرن ششم با قشرهای مختلف

مردم در یک ساختار اجتماعی در حال تحول، چگونه است. به نظر می‌رسد، یکی از مهم‌ترین ایرادهایی که می‌توان بر چنین پژوهش‌هایی وارد کرد، نگاهی تقلیل‌گرایانه به نظریه اجتماعی است، برای رفع این ابهام، تقسیم‌بندی دیگری شبیه به فراگرد چهار مرحله‌ای بلاو، طراحی شده است تا بر این نکته تأکید کنیم که نظریه‌ها در فضای فرهنگی متفاوت، به وجود می‌آیند و تصور کاربریست تمام و کمال آنها بدون جهت بخشی در مناسبات اجتماعی فرهنگی دیگر، چه بسا ناسازگار یا متناقض نما باشد.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

گفتمنی است درباره سنایی غزنوی کتاب‌ها و مقالات مختلفی نوشته و شعر او از زوایای گوناگونی بررسی شده است و طی بررسی‌هایی که صورت گرفته است، تاکنون هیچ اثر جامع و مستقلی در زمینه بازتاب نظریه تبادلی «پیتر بلاو» با مضمون جهالت و خردورزی در قصاید سنایی غزنوی، نه به‌طور تفکیکی و جامع و نه حتی در حد یک مقاله یا بخشی از یک پژوهش، منتشر نشده است و این پژوهش می‌تواند کنکاشی نو در این زمینه باشد.

### ۱-۴- روش تحقیق

در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع نظری تحقیق، تلاش شده است تا محورهای جامعه‌شناسانه نظریه پیتر بلاو در سروده‌های سنایی، مورد کنکاش قرار گیرد تا واکنش افراد جامعه به تصویر کشیده شده، در اشعار وی، در برابر کنش‌های موجود در محیط، تحلیل و بررسی شود.

### ۲- مفهوم خرد

خرد در پهلوی به صورت، xrat در اوستایی، xratu در هندی باستان (kratu) هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴، ذیل خرد؛ (فره وشی، ۱۳۸۱: ذیل xrat) آمده است، در لغت به معنای عقل (تبریزی، ۱۳۶۲: ذیل خرد)، درک، دریافت، ادراک، تدبیر، فراست، هوش، دانش است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل خرد).

هریک از باورها و مکاتب فکری و فرهنگی و هم چنین شاخه‌های مختلف علمی، برای خرد تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های ویژه خود را ارائه کرده‌اند. عقل و خرد در آیات قرآن به معنای فهم و ادراک است (بقره: ۷۴)؛ (عنکبوت: ۳۴). در قرآن کریم بر لازم بودن تعقل و تدبّر تأکید شده است: « أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ » (یس: ۶۲)؛ « افلا تعقلون » (آل عمران: ۳)؛ (انعام: ۳۲)؛ (اعراف: ۱۶۹)؛ (یونس: ۱۶) و... در روایات معصومین (ع) نیز عقل ستایش شده است و جایگاه برجسته‌ای دارد. پیامبر (ص) فرموده‌اند: خداوند در میان بندگان چیزی بهتر از خرد را تقسیم نکرده است (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ۳۰۸). امام علی (ع) نیز فرموده‌اند: خرد شریف‌ترین مزیت و برتری انسان است (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲۲: ۱۴۱).

در عرفان اسلامی، عقل موهبتی الهی است که خداوند در فطرت همه انسان‌ها نهاده است تا با آن حق را از باطل و طاعت را از معصیت بازشناسند؛ چنانکه مؤلف مصباح الهدایه در تعریف خرد می‌گوید: «عقل نوری است فطری که بدان صلاح از فساد و خیر از شر متمایز گردد» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۶).

در مطالعات فلسفی اسلامی و غربی نیز معنا و مفهوم خرد و شاخه‌های متنوع آن، موضوع مهمی است. اصل وجود عقل، یکی از اصول نه‌گانه هراکلیت (Heraclite) فیلسوف نامدار دوران پیش از سقراطی، است به عقیده او عقل، موجودی است که همه امور عالم را کنترل می‌کند و طلوع و غروب خورشید و آمد و شد فصل‌ها به دست این نیروست (ملکیان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۳). ارسطو نیز عقل را به دو نوع فعال و غیرفعال تقسیم می‌کند و معتقد است، عقل فعال معلومات را به وجود می‌آورد و عقل منفعل از آن تأثیر می‌پذیرد. فیلسوفانی مانند توماس آکوئینی (Acoini Tomas)، عقل فعال را همان روح جاودانه یا نفس خالده و برخی مانند ابن رشد آن را همان خدا دانسته‌اند (همان: ۳۶۸).

به طور کلی فیلسوفان اسلامی به عقل از دو دیدگاه روان‌شناسی و الهیات نگریسته‌اند؛ عقل در الهیات، نخستین موجودی است که آفریده شده است و از آن به عقل اول تعبیر می‌شود و سلسله مراتبی دارد. عقل دهم که عقل فعال خوانده می‌شود در عالم ماده تأثیر مستقیم دارد و همه صور مرکبات، نفوس و اعراض این عالم از اوست.

خرد و دانایی در همه باورهای کهن جهان نیز ستایش می‌شوند و ارزشمند هستند. در اندیشه‌های هند دوران ودایی، ایزد خرد، آسورایی بی‌نام است که ناشناخته می‌ماند و به تدریج در طی زمان فراموش می‌شود (بویس، ۱۳۷۴: ۶۰). در اسطوره‌های کهن میان رودان یا بین‌النهرین خدای خرد، انکی (Enki) نامیده می‌شود که بر آب‌ها سروری دارد؛ اما جایگاه او پس از انو (Anu) خدای آسمان و انلیل (Enlil) خدای جو و زمین قرار دارد (ناس، ۱۳۷۲: ۴۶).

خرد و خردورزی در باور زرتشتی، جایگاهی محوری دارد؛ زیرا اهورامزدا، خدای بزرگ آیین زرتشتی، خود مظهر خرد است و کل هستی را با خرد رهبری می‌کند. مؤلف تاریخ کیش زرتشت در این باره می‌نویسد: «جان کلام و هسته اصلی تعالیم زرتشت، معرفت به وجود یک نیکی مینوی است که ارباب خرد و عقل کل جهان هستی است» (بویس، ۱۳۷۴: ۲۷۱).

این نقش برجسته در بخش‌های مختلف اوستا نمود یافته است؛ در هرمزدیشت، اهورامزدا خود را چنین معرفی می‌کند: منم سرچشمه دانش و آگاهی، منم خرد، منم خردمند، منم دانایی، منم دانا (دوست‌خواه ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۷۲).

### ۳- گذری بر احوال و روزگار سنایی غزنوی

ابوالمجد محدود بن آدم، سنایی غزنوی، از شاعران صاحب سبک زبان پارسی است که به خاطر بزرگی و پیشوایی او در اشعار عرفانی و تعلیمی، لقب حکیم به او مختص شده است. «او بعد از سفرهای بسیار به شهرهای نیشابور، هرات، سرخس، بلخ و خانه خدا، سرانجام، تحولی عظیم در وی به وجود می‌آید و از هر گوشه‌ای، توشه‌ای به دست آورده و خرمن معرفتی فراهم کرده تا اینکه صاحب‌کمال و عارفی فاضل، شناخته شده است» (اشرف زاده، ۱۳۸۷: ۷).

در عصر سنایی که مربوط به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌شود وضعیت علم و دانش رو به مسیر شکوفایی بود. تا حدی که «در اشعار شاعران این دوره، اغلب تلمیح به مسائل علمی (طب، نجوم و ...) به وفور دیده می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۹). سنایی نیز از این اشارات علمی به دور نبوده و همواره درصدد تعلیم مخاطبان به

گرایش نسبت به علوم مختلف بوده است. «او فاضلی صاحب یقین است که انسان را به کسب علم، تشویق و ترغیب می‌کند و از انسان‌های با علم و ادب با تمجید و ستایش یاد می‌کند و مقام دانش و دانشمندی را می‌ستاید» (محمدخانی و فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

سنایی از اولین شاعرانی بود که طرح مسائل اجتماعی و عرفانی و زهد و حکمت معنوی را در قصیده، رایج کرد، به طوری که هنوز بسیاری از قصاید او، نمونه برتر قصاید اجتماعی، عارفانه و زاهدانه‌اند. تا پیش از او، موضوع قصیده، محدود به مدح پادشاهان و وابستگان درباری و احیاناً توصیفات طبیعی همچون: بهاریه‌ها و خزانیه‌ها و غیره بود و نمایندگان مشخص این نوع قصاید، شاعرانی همچون: عنصری، فرخی و منوچهری بودند؛ اما او در قصیده، «مسائل اخلاق اجتماعی را با اخلاق زاهدانه و عارفانه، در کنار هم آورد و جهانی آفرید که به گمان او، انسان در آن، سعادت‌مند و عاقبت به خیر شود» (اشرف زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

سنایی در حقیقت، «نماینده برجسته نوعی از قصیده در زبان فارسی است که آن را باید قصیده نقد جامعه و زهد و عرفان و اخلاق خواند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۲) قصایدی که در آن، «حکیم غزنوی» با «مقراض و تیغ تیزبینی و نقد خود، تنه بیمار و آماس کرده و چرکین طبقات مختلف جامعه عصر خویش را می‌شکافد و نقطه مرکزی بیماری و عفونت را به عریانی نشان می‌دهد. قصایدی که می‌توان آن‌ها را نوعی «شهر آشوب اجتماعی» نامید» (پیشگر، ابراهیم پور نمین، ۱۳۸۸: ۷۰۷).

سنایی با نقد اوضاع اجتماعی روزگارش، علاوه بر بیان دردها و معضلاتی که دامن‌گیر زمانه شده است، نشان می‌دهد که شاعری اهل درد و دین است. لبه تیز تیغ زبان او در اغلب موارد، متوجه دنیا دوستان و حاکمان ظالم است. او بارها با تصویر زندگی زاهدانه پیامبر (ص) و معصومین و صحابه و تأکید بر آن در قصایدش، سعی دارد، جامعه آرمانی خود را - که عرصه ظهور در واقعیت پیدا کرده است - نشان دهد. همچنین در کنار آن، اندیشه زهد و عرفان نیز از مهم‌ترین محورهای موضوعی در قصاید سنایی است. نكوهش دنیا، تفکر درباره مرگ، توصیه به گسستن از آرزوهای طولانی و بی‌حد و حصر و تذکر به خویشتن حقیقی آدمی، از مضامین رایج قصاید اوست.

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتربلاو» ۱۳۳

ای مسلمان! خلایق حال دیگر کرده‌اند  
از سر بی‌حرمتی، معروف، منکر کرده‌اند  
شرع را یک‌سو نهادستند اندر خیر و شر  
قول بطلمیوس و جالینوس، باور کرده‌اند  
عالمان بی‌عمل از غایت حرص و امل  
خویشان را سخره اصحاب لشکر کرده‌اند  
خون چشم بیوگان است آن‌که در وقت صبح  
مهران دولت، اندر جام و ساغر کرده‌اند  
(سنایی، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

تا کی از دارالغروری ساختن، دارالسرور؟

تا کی از دارالفراری ساختن، دارالقرار؟

(همان: ۱۸۲)

بر در ماتم‌سرای دین و چندین ناز و نوش؟

در ره رعنا سرای دیو و چندان کار و بار؟

(همان: ۱۸۹)

#### ۴- نظریه تبادلی پیتربلاو

نظریه تبادل تلفیقی بلاو شکل رشد یافته نظریه پردازان مکتب مبادله رفتاری یا مکتب رفتارگرایی است. بنا به تصریح بلاو، هدف وی از طرح نظریه تبادل، «فهم ساختار اجتماعی برپایه تحلیل فرآیندهای اجتماعی حاکم بر روابط میان افراد و گروه‌ها است. مسئله اصلی این است که چگونه زندگی اجتماعی در قالب ساختارهای بیش از پیش پیچیده هم‌گروهی، میان انسان‌ها سازمان می‌گیرد» (ریترز، ۱۳۹۳: ۴۰۵).

بلاو، فهم تبادل‌های فردی را وسیله‌ای برای دستیابی به یک هدف گسترده‌تر می‌داند: «مقصود اصلی جامعه‌شناسی در بررسی فرآیندهای کنش متقابل، نهادن بنیادی برای فهم ساختارهای اجتماعی تکامل‌یابنده و نیز درک نیروهای اجتماعی



بدیدار شونده‌ای است که تکامل این ساختارها را مشخص می‌سازد» (همان: ۴۷۵). در این راستا، بلاو یک فرایند چهار مرحله‌ای را ترسیم می‌کند که از تبادل فی‌مابینی آغاز شده و به ظهور ساختار اجتماعی و سپس دگرگونی آن می‌انجامد:

۱) فعالیت‌های تبادلی بین انسان‌ها منجر می‌شود به؛

۲) تفاوت پایگاه و قدرت که این امر نیز منتهی می‌شود به؛

۳) مشروعیت به سازمان که می‌پاشد بذر؛

۴) مخالفت و تغییر. (همان: ۵۷۰).

چند نکته مهم در همین جا قابل ذکر است: اول اینکه چنان‌که مشاهده می‌کنیم، بلاو در این فرآیند، از قدرت مشروعیت و ساختار، سخن می‌گوید. دوم بلاو می‌گوید، فرآیندهای اجتماعی را نمی‌توانیم جدا از ساختارهای اجتماعی در برگیرنده آن‌ها تحلیل کنیم. سوم ساختار اجتماعی از تعامل اجتماعی برمی‌خیزد؛ اما همین‌که این امر رخ داد، ساختار اجتماعی، موجودیت مستقلی می‌یابد که بر فرآیند تعامل اثر می‌گذارد. تعریف بلاو از تبادل اجتماعی از این قرار است: «کنش‌های ارادی افراد که انگیزه و محرک آن‌ها بازگشتی است که آن افراد انتظار دارند از جانب دیگران ارائه شود و در واقع نیز توسط دیگران ارائه می‌شود» (بلاو، ۱۹۶۴، به نقل از توسلی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب تبادل اجتماعی منوط است به واکنش‌های پاداش دهنده دیگران؛ کنش‌ها اگر واکنش‌های مورد انتظار را در پی نداشته باشند، متوقف می‌شوند. مطابق تعریف فوق، اعمالی که ناشی از زور یا ندای وجدان است، از قلمرو تبادل اجتماعی بیرون رانده می‌شود؛ بنابراین پول دادن به تهی‌دستان، تنها زمانی تبادل اجتماعی محسوب می‌شود که از سر احساس تقصیر نباشد، بلکه ناشی از شنیدن ثناگویی و دعای خیر فرد تهی‌دست باشد (توسلی، ۱۳۸۶). بلاو تصریح می‌کند که نفع فردی، شرط ضروری آغاز تبادل است نه هنجاری اخلاقی. سودی که فرد انتظار دارد از روابط تبادلی به دست آورد و آغازگر مبادله است؛ بنابراین، بنیان اولیه تبادل اجتماعی این است که تبادل منابع اجتماعی و مادی، یک‌شکل بنیادی کنش متقابل انسان‌ها است. پاداش‌های ردوبدل شده در جریان تبادل، ممکن است درون‌ذاتی باشند، نظیر عشق، محبت، احترام یا ممکن است برون‌ذاتی باشند، مانند پول و کار جسمانی یا ممکن است ترکیبی از دو نوع پاداش باشند. پاداش‌های درون‌ذاتی از نفس خود روابط مشتق می‌شود؛ مانند رابطه

میان عاشقان. پاداش‌های برون‌ذاتی از خود رابطه تبادلی، مجزاً هستند و می‌توانند ناشی از هر یک از طرفین تبادل باشند، نه ناشی از خود رابطه. در غالب روابط اجتماعی، ترکیبی از پاداش‌های برون‌ذاتی و درون‌ذاتی وجود دارد: نظیر روابط دوستی میان جمعی از کارکنان یا اعضای هیئت‌علمی دانشگاه که می‌تواند مسئولیت‌های شغلی آن‌ها را بهبود بخشد. (بلاو، ۱۹۶۴: ۵۰ به نقل از پل جانسون، ۲۰۰۸: ۱۷۸). بلاو همچنین به این پرسش مهم می‌پردازد که «چگونه ساختارهای قدرت در اثر عدم توازن در تبادل شکل می‌گیرد؟» در پاسخ می‌گوید، انسان‌ها به دلایل گوناگون به‌سوی هم‌گروهی سوق یافته و جذب یکدیگر می‌شوند. همین‌که نخستین پیوند‌ها برقرار شد، ارائه پاداش‌های متقابلی که اعضا برای هم فراهم می‌آورند، موجب نگهداشت و تقویت هم‌گروهی شده یا در صورت ناکافی بودن پاداش‌ها، رشته هم‌گروهی، گسسته می‌شود، طرفین همیشه نمی‌توانند، پاداش‌های برابری با یکدیگر بدهند؛ هرگاه نابرابری در تبادل پیش بیاید، تفاوت در قدرت در گروه پدیدار می‌شود. هرگاه در یک گروه، عده‌ای بکوشند با توانایی‌هایشان در پاداش دادن، همدیگر را تحت تأثیر قرار دهند، ممکن است رقابت و در نهایت تفکیک اجتماعی پدید آید. در مراحل اولیه تشکیل گروه، رقابت برای وجهه اجتماعی در میان اعضای گروه، عملاً به مثابه آزمون انتخاب رهبران بالقوه، عمل می‌کند. افرادی که بهتر از همه قادرند، پاداش دهند، بیشترین شانس را برای رسیدن به جایگاه‌های رهبری دارند. در نهایت افرادی که دارای توانایی بیشتر در پاداش‌دهی هستند، رهبر می‌شوند و دچار تفکیک می‌شوند.

## ۵- بازتاب نظریه تبادلی پیتر بلاو در قصاید سنایی

### ۵-۱- گام نخست: تبادل بین فردی

#### ۵-۱-۱- معرفی راه درست خردورزی و دانش‌اندوزی و راه نادرست جهالت

بی‌تردید، اخلاق مهم‌ترین عامل در اصلاح یا فروپاشی جامعه به شمار می‌آید؛ بنابراین هر انسانی که به صلاح فرد و جامعه می‌اندیشد، ناگزیر باید با مبادی و مبانی این علم آشنا شود و آن را به‌عنوان بهترین راه برای بردن انسان از نقص به کمال به کارگیرد. «عاقبت نوع بشر، کمال رشد اخلاقی است؛ به شرط آن‌که به اختیار و آزادی که کل سعادت انسان در گرو آن است، دست یابد. خداوند می‌توانست انسان را از ابتدا کامل بیافریند و سعادت هر

یک از افراد را از همان آغاز به او عطا کند؛ اما در این صورت سعادت انسانی ناشی از اصول آفرینش جهان نبود در حالی که اصل ذاتی جهان اختیار است. پس تقدیر انسان این است که سعادت خود را از طریق اختیار به دست آورد» (کانت، ۱۳۷۸: ۳۳۸). چیزی که سنایی به آن اعتقاد داشت و تلاش می‌کرد تا مردم را نسبت بدان متقاعد سازد. سفارش به دانش خرد و دانش‌اندوزی در کلام و جهان‌بینی سنایی آشکار است؛ زیرا آگاهی و دانش، انسان را از ورطه جهالت می‌رهاند و چشم و گوش درون او را به زندگی و حوادث آن باز می‌کند و نسبت به ظلم و ستم‌ها آگاه می‌سازد. سنایی در این مرحله، خود را مانند رهبری آگاه، موظف به هدایت و آگاهی‌دهنده هم‌نسلاش می‌داند. همان‌گونه که بلاو در مرحله اول، از معاملات تبادلی شخصی میان مردم، نام می‌برد، سنایی نیز همواره سعی دارد، مردم خفته در خواب جهالت را به مخاطبان نشان دهد؛ بنابراین، به شدت از نادانی و جهالت مردم زمانه‌اش گلایه دارد و جاهلان را با صفات منفور به مخاطب معرفی می‌کند تا آگاهی بخشی کرده باشد:

از پی رد و قبول عامه، خود را خر مکن

زانکه کار عامه نبود جز خری یا خرخری

(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۶۳)

سنایی در قصاید خویش با زبان آتشین، سخن گفته و تیشه بر ریشه نظم و عرف اجتماعی زده و شیوه‌ای مبتنی بر فریاد و عدم تسامح و بی‌پروایی و حتی پرده‌داری در پیش گرفته است و مردم عامه را «بیمار» و «یافه‌گوی» و «هرزه‌لا» توصیف می‌کند:

گر تو را طعنی کنند ایشان، مگیر از بهر آنک

مردم بیمار باشد یافه‌گوی و هرزه لا

(همان: ۳۵)

شاعر همگان را از هم‌نشینی با افراد جاهل پرهیز می‌دهد و مخاطب را بیدار می‌کند

که هم‌نشینی با این افراد، نیک و پسندیده نیست:

گر از زحمت همی ترسی ز نااهلان بیر صحبت

که از دام زیون گیران به عزلت رسته شد عنقا

(همان: ۵۶)

### ۵-۱-۲- معرفی اهمیت علم دین

علم و دانش بشری زمانی برای جامعه و مردم سودمند و مفید است که با عمل و اجرا همراه گردد؛ یعنی عالم به علم و دانسته‌های خود عمل کرده و آن را با اشتیاق به دیگران نیز بیاموزد و علوم دینی نیز زمانی که در جامعه، اجرا و عملی شود، نتایج و اثرات شایسته و بهینه خود را نشان خواهد داد. سنایی نیز همواره علم دین را علمی ضروری برای هر انسانی می‌داند:

دان که هر کو صدر دین، بی‌علم جوید نزد عقل

بر نشان جهل او خود قول او باشد گوا

از لقب مفتی نگرده بی‌تعلّم هیچ‌کس

علم باید تا کند درد حماقت را دوا

(سنایی، ۱۳۸۰: ۲۱)

سنایی در ابیات ذیل که از قصیده‌ای با عنوان «در مذمت دنیاجویان» انتخاب شده،

عالمان بی‌عمل و دنیاپرست را سرزنش می‌کند:

ای به دیدار فتنه چون طاووس      وی به گفتار غرّه چون گفتار

عالمت غافلست و تو غافل      خفته را خفته کی کند بیدار

همه زنهار خوار دین تواند      دین به زنهارشان مده زنهار

غول باشد نه عالم آنکه ازو      بشنوی گفت و نشنوی کردار

(همان: ۱۵۵)

سنایی برای آگاهی بخشی مخاطبانش به اهمیت علم و دانش، در مقام نصیحت

برمی‌آید و به اهمیت علم و خردورزی می‌پردازد:

عهده فتوی دین بی‌علم در گردن مگیر      وعده شاهی و شادی بر خرد در دل مدار

(همان: ۲۱۶)

### ۵-۲- گام دوم: تمایز در مقام و منزلت

۵-۲-۱- نشان دادن تمایز دو گروه روشنفکران و جاهلان

بر اساس نظریه بلاو، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر متفاوت است؛ در واقع، همیشه گروهی در مقام فرادست و گروهی در مقام فرودست قرار می‌گیرند، یعنی روشنفکران و خردورزان (مانند حضرت نوح و سایر پیامبران) در عصر او مورد بی‌مهری افراد جاهل و عامه قرار گرفته‌اند. شاعر در این شعر، طبق اندیشه بلاوی، مخالفان خود را (جاهلان) در گروهی نشان می‌دهد که متأسفانه علی‌رغم زور و جوری که دارند، بیشتر منتفع می‌شوند و گروه خودشان (عالمان و خردورزان) که محروم واقع شده‌اند، مجبورند هزینه‌های بیشتری را متقبل شوند:

گاو را دارند باور در خدایی عامیان      نوح را باور ندارند از پی پیغمبری  
(سنایی، ۱۳۸۰: ۶۶۳)

دسته دیگری که سنایی آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد، همان کسانی هستند که با خردورزی مخالف‌اند، اهل تفکر نیستند و صرفاً به تقلید مایل‌اند و این‌ها کسانی جز عوام نیستند، شاید مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی یک جامعه، متابعت عوام از علمای جاهل است. بر همین مبنا، شاید گناه جهالت عوام، کمتر از ظلم ظالمان نباشد، بر همین مبنا، عصر و دورانی که در آن هوشیاران اندک‌اند و اگر خردمندی یافت شود، متهم به زندقه و بی‌دینی می‌شود و اگر اهل حکمتی باقی مانده باشد از بیم سفیهان در گوشه‌ای پنهان است، همه این موارد، مورد نکوهش سنایی است، او بر یکایک اقشار جامعه ترازوداران، کسبه، صوفیان، زاهدان و علمای بی‌عمل می‌تازد و با لحنی درشت، می‌خواهد از خرافه‌پرستی و تقلید کورکورانه و کج‌فهمی به دور باشند. تو چون موری و این راه است همچون موی بت‌رویان

مرو زنهار بر تقلید و بر تخمین و بر عمیا

قدم در راه مردی نه که راه و گاه و جاهش را

نباشد تا ابد مقطع، نبود است از ازل مبدا

(سنایی، ۱۳۸۰: ۵۵)

این تقلید و خرافه‌پرستی برای مردم نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ جز این‌که خلائق، معروف را منکر و منکر را معروف کنند.

ای مسلمانان خلائق حال دیگر کرده‌اند      از سر بی‌حرمتی معروف منکر کرده‌اند

در سماع و پند، اندر دیدن آیات حق چشم عبرت کور و گوش زیرکی، کر کرده‌اند (همان: ۱۴۸)

### ۵-۲-۲- نشان دادن تمایز دو گروه علم دین و علم فلسفه

شاعر با ترسیم دو گروه در دو مقام و منزلت متمایز (فلاسفه و عالمان دینی)، قصد بیدار کردن مردم را دارد. سنایی، یکی از نشانه‌های بی‌خردی را خواندن علم فلسفه می‌داند که در مقابل علم دین و پیامبر قرار دارد و مذموم شناخته می‌شود:  
عقل نبود فلسفه خواندن ز بهر کاملی

عقل چبود جان نُبی خواه و نُبی خوان داشتن  
(سنایی، ۱۳۸۰: ۴۶۱)

### ۵-۲-۳- نشان دادن تمایز بین مدعیان علم و عالمان حقیقی

سنایی از افرادی که به ظاهر، ادعای عالم بودن می‌کنند، گلایه دارد و در عوض، آن‌ها را به خواندن واقعی علوم تشویق می‌کند. در واقع، شاعر، طی مبادلات خود با مخاطبانش، سعی کرده با ترسیم گروه‌هایی که در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند، تمایز جهل و خردورزی را در عصر خویش، همراه یا تأسف و اثر نشان دهد تا بتواند گامی در جهت بیداری ملت و آگاه‌سازی آن‌ها در این زمینه‌ها بردارد:  
لاف پنهانی مزین بی‌علم، هر جا بیهده

علم خوان، خود پیش از آن پنهان کند علم آشکار  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۲۱)

مردم از جهد شود عالم، نز جامه و لاف جاهل از کسوت و لاف افسر کیهان نشود  
(همان: ۱۷۶)

### ۵-۳- گام سوم: سازمان‌یافتگی و مشروعیت

#### ۵-۳-۱- نشان دادن زشتی‌های گروه محکوم (نادانان و جاهلان)

به نظر سنایی فقها و عالمان بی‌عمل و طمّاع، کسانی هستند که بانی و حامی اصلی ظلم‌اند. همواره نفوذ علما و فقها در بین صاحبان قدرت از یک‌سو و عوام مردم به علت برخورداری از افکار دینی و مذهبی از سوی دیگر، گسترده و زیاد بوده است، به همین

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتر بلاو» ۱۳۰

دلیل برخی از آن‌ها که واسط بین مردم و صاحبان قدرت بوده‌اند، جاه‌طلب و طماع و توجیه‌گر ظالمان بودند. سنایی به همین دلیل می‌گوید:

سگ پرستان را چون دمّ سگان      بهر نان پشت دل و دین به خم است  
فقه‌ها را غرض از خواندن فقه      حیلۀ بیع و ربا و سلم است  
علم‌ها را ز پی وعظ و خطاب      جگر از بهر تعصب به دم است  
(سنایی، ۱۳۸۰: ۸۲)

سنایی در این مرحله، با ترسیم اعمال ناشایستی که از جانب گروه محکوم جاهلان سر می‌زند، این حق را برای خود و جامعه خردورزان مشروع می‌داند که مقام پست آن‌ها را به باد انتقاد و تمسخر بگیرد تا به محکومیت برسند.

هیچ جاهل در جهان مفتی نگشته از لباس

هیچ گنگ اندر جهان، شاعر نگشته از شعار

(همان: ۲۱۳)

سنایی زمانی که می‌بیند در زمانه‌اش، علما و فقها، از هرگونه علم و خردمندی عاری هستند و در عوض، لاف و ادعایشان به فلک می‌رسد، تازیانه انتقاد را به دست می‌گیرد و آن‌ها را محکوم می‌کند:

همه دعوی مباحش چون بلبل      گرد معنی گرای، همچون باز  
(همان: ۳۰۰)

او به انتقاد از جاهلان گمراهی می‌پردازد که بهره‌ای از علم نبرده‌اند:

دان که هر کو صدر دین بی‌علم جوید نزد عقل

بر نشان جهل او، خود قول او باشد گوا

از لقب مفتی نگردد بی‌تعلّم هیچ‌کس

علم باید تا کند درد حماقت را دوا

صد علی در کوی ما بیش است با زیب و جمال

لیک یک تن را نخواند هیچ عاقل مرتضا

(همان: ۲۱)

سنایی بارها از مدعیان علم که به علوم خود عمل نمی‌کنند، خرده می‌گیرد و اعمال ناپسندشان را محکوم جلوه می‌دهد:

علم کز تو تو را بنستاند      جهل از آن علم به بود صدبار  
آب حیوان چو شد گره در حلق      زهر گشت ار چه بود نوش و گوار  
نه بدان لعنت است بر ابلیس      کو نداند همی یمین ز یسار  
(همان: ۲۰۰)

او حتی اعمال چنین افرادی را به کردار ابلیس، تشبیه می‌کند:

بل بدان لعنت است کاندردین      علم داند به علم نکند کار  
(همان: ۲۰۰)

در سروده‌ای دیگر، افرادی را که به ظاهر عالم هستند؛ ولی به علم خود عمل نمی‌کنند به غول تعبیر می‌کند تا با این تصویرسازی، محکومیتشان را پررنگ‌تر جلوه دهد:

غول باشد نه عالم آن که از او      بشنوی گفت و نشنوی کردار  
(همان: ۲۰۲)

شکر نمایم و ز زهر ناب تلخ‌ترم      به فعل زهرم اگرچه به قول چون شکر  
(همان: ۳۶۶)

سنایی نیز برای هم‌نشین خوب اهمیت قائل می‌شود و مخاطبان را به دوری از نااهلان و انتخاب هم‌نشین صالح دعوت می‌کند:

گرد علما گرد به خاصه بر آن کس

کامروز به هر شهر چنو مشتهری نیست

(همان: ۱۰۰)

بباید رفت بر چرخش که تا با مه سخن گوید

بباید سوخت چون شمعش که صحبت با لگن گیرد

(همان: ۱۳۶)



هر که چون بی‌بصران صحبت دونان طلبد

سخت بسیار بلاها کشد از بی‌بصران

پای کی دارد با صحبت تو سفلۀ دون

چون نه ای خیره‌سر و در نسب خیره سران

(همان: ۴۳۶)

او حتی مردم را از نزدیکی با جاهلان عالم‌نما (همچون حکیمان بی‌سواد) نیز دوری می‌دهد و با نشان دادن زشتی‌های اعمالشان، سعی در محکوم کردن آن‌ها دارد:

گر من نکوشمی به تواضع نبینمی از هر خسی مذلت و از هر کسی عنا

با جاهلان اگرچه به صورت برابرم فرقی بود هرآینه آخر میان ما

(همان: ۴۹)

### ۵-۳-۲- نشان دادن زشتی‌های گروه محکوم (فلاسفه)

«در اواخر قرن پنجم و آغاز قرن ششم، تأسیس مدارس و آشنایی با کتب مذهبی و رواج علوم و فنون باعث می‌شود که شاعران، علاوه بر شاعری، فاضل نیز باشند و در اشعار خود به انواع علوم، اشاره داشته باشند» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۲).

از طرفی دیگر، «صبغه دینی در این عهد، مسبب ضدیت شدید با فلسفه - به ویژه فلسفه یونان - می‌شود» (صفا، ۱۳۷۸: ۴۳). فلسفه و علوم عقلی در این عهد با مقاومت شدید اهل شرایع و ادیان و خاصه، فقهای اسلامی، مواجه گردید و آن آزادی که تا اواخر قرن چهارم و تا حدی در نیمه اول قرن پنجم برای علمای علوم عقلی و حکما در اظهار عقاید وجود داشت، به تدریج از میان رفت و صاحبان آراء فلسفی، ناچار شدند عقاید خویش را بیشتر از سابق با آراء اهل مذاهب بیامیزند و فلسفه را در همان طریق به کار برند که علم کلام را به کار می‌بردند.

در این عهد با ظهور کسانی مانند حجة الاسلام محمد غزالی که خود نحوه خاصی از تفکر داشت و پیروی عده‌ای از متکلمان و متشرعان و حتی شاعرانی از قبیل سنائی و خاقانی، از او آهنگی نو یافت. غزالی در کتاب‌های المنقذ من الضلال و مقاصد الفلاسفه و تهافت الفلاسفه دلائل متعددی در ابطال شیوه حکما و عقاید آنان اقامه کرده و همین افکار را در فاتحه‌العلوم نیز دنبال نموده است. دانشمندان دیگری نیز مانند فریدالدین

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتربلاو» ۱۳۳

عمر غیلانی (در کتاب حدوث العالم) و ابوالفرج بن الجوزی (م ۵۹۷ هـ) در کتاب تلبیس ابلیس دنبال نظرهای غزالی را گرفتند و رفته رفته این فکر میان شاعران نیز رواج یافت. در قرن پنجم، با کسادی بازار عقل و منطق، شمشیر انتقاد نسبت به فلاسفه تندتر شد. او بارها فلاسفه را به باد تمسخر می‌گیرد و به خردشان، شک دارد:

شرح را یکسو نهادستند اندر خیر و شر

قول بطلمیوس و جالینوس باور کرده‌اند

(سنایی، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

تو را پرسید من خواهم ز سر بیضه مرغی

چه گفتست اندرین معنی تو را تلقین کن افلاطون

(همان: ۵۳۷)

#### ۵-۴-۴-گام چهارم: دگرگونی در نتیجه مخالفت

طبق رویکرد بلاو، شاعر طی مبادلات خود با مخاطبان، دو راه را به آن‌ها نشان می‌دهد که آمیخته با تحذیر و ترغیب است.

#### ۵-۴-۱-نشان دادن فرجام نیک در راه خردورزی و فرجام بد در راه جهالت

سنایی همواره به ستایش خردورزی می‌پردازد و این راه را راه نجات و سعادت بشری می‌خواند. او با تصویر تقابلی غم و مهر سعی می‌کند راه تاریک جهل را در مقابل راه روشن علم‌اندوزی و خردورزی به نمایش بگذارد. در بیت بعدی نیز، تقابل نفس و خرد را نمایان می‌سازد که اولی راه تاریک کفر را پیش روی مخاطب می‌نهد و دومی راه روشن دین را. با این کار، مخاطبان را از طریق نشان دادن بی‌منفعتی و عدم پاداش از راه جهل و نادانی دور می‌کند و از طرفی با نشان دادن پاداشی که در راه روشن علم و خردورزی است، سعی می‌کند مخاطبان را به این سمت و سو بکشاند تا به تحول و دگرگونی بینجامد؛ بنابراین، جهان مطلوب انسان‌ها را در سایه خردورزی و علم‌اندوزی می‌بیند:

از جهان نفس بگریزید تا در کوی عقل

آنچه غم بوده است گردد مهر ما را غم‌گسار

(سنایی، ۱۳۸۰: ۱۸۳)

نفس تو جوویای کفر است و خرد جوویای دین

گر بقا خواهی به دین آی گر فنا خواهی به تن

(همان: ۴۸۶)

سنایی غلفت ورزیدن در زندگی را سبب عقیم شدن عقل و خرد می‌داند:

شد عقل ما عقیم ز بس در تغافلیم فریاد از این تغافل و عقل عقیم ما

(همان: ۵۹)

سنایی، علم را با دین پیوند می‌دهد و انسان جاهل را درخور جهنم می‌داند و در مقابل، عالم را شایسته بهشت. در واقع، شاعر سعی می‌کند، ابتدا دو گروه روشنفکران و عالمان را در دو طبقه متمایز نشان دهد تا با نشان دادن اعمال و فرجام کارهای هر دو گروه، راه روشن و تاریک را تصویرسازی کند و مخاطبان را در این مسیر آگاه و بیدار کند. سنایی در ابیات ذیل که از قصیده‌ای با عنوان «در مذمت دنیا جوویان» انتخاب شده، عالمان بی عمل و دنیاپرست را سرزنش می‌کند:

گر ندادی حق خیر هرگز کرا بودی گمان

کز جهان چون بلعمی را نزد حق کافر برند

عالم آمد این سخن مخصوص فردا روز حشر

عالمان بی‌عمل از کرد خود کیفر برند

یک پرستار و یکی عالم که در دوزخ برند

همچنان باشد که از جاهل دوصد کشور برند

(سنایی، ۱۳۸۰: ۱۵۵)

سنایی از علم قیل و قال بیزار است و تنها علم دین را مایه رستگاری انسان می‌داند که انسان را به عزت و شرف می‌رساند. شاعر عاقبت و فرجام نیک طلب علم دین را به مخاطبان می‌نماید:

پند من بنیوش و علم دین طلب از بهر آنک

جز به دانش خوب نبود زینت و فر داشتن

(همان: ۴۷۰)

### ۵-۴-۲- نشان دادن فرجام نیک در راه علم دین

سنایی تفکر در علوم دینی را مایه صعود و رستگاری انسانی می‌داند:

تا چند همی خوانی منہاج به معراج  
احیای علوم دین با شرح تعرف  
(همان: ۳۳۷)

سنایی پیوسته مخاطبان خود را به فراگیری علم و دانش دعوت می‌کند و آن را مایه  
تکامل و آبادی جان انسان می‌داند:

پیشی آن تن را رسد کز علم باشد پیش دست  
پیشی آن سر را رسد کز عقل باشد پایدار  
(همان: ۲۱۶)

ماه گردی گریبایی آتشی از نور علم

بحر گردی گریبایی دُر علم آبدار  
(همان: ۲۱۷)

جان به دانش کن مزین تا شوی زیبا از آنک

زیب کی گیرد عمارت بی نظام دست ساز  
(همان: ۳۰۴)

سنایی به ستایش علمی می‌پردازد که منوط به تحمل رنج و سختی فراوان باشد تا  
صاحبش را به نور بصیرت بینا کند:

افسر و فرق ای پسر بی رنج کی گردد قرین  
سیری و خواب ای فتی با علم کی گیرد قرار

علم خواهی مرحله علم از مژده چشمت سپر

فضل جوینی راه شب بر بحر بیداری گذار  
(همان: ۲۱۷)

از نظر سنایی، علم و دانش مانند بالی است و انسان را از جهان پر آشوب نجات  
می‌دهد و رستگار می‌کند:

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتر بلاو» ۱۳۶

پس چو عیسی به پر دانش و عقل  
زین پر آشوب کلبه بیرون تاز  
(همان: ۳۰۰)

سنایی علم و دانش را همچون سلاحی می‌داند که انسان را به اوج می‌رساند:  
یک زمان از گنج دانش وام نادانی بتوز

با خرد یک تک برآ، بر مرکب همت بتاز  
(همان: ۳۰۲)

چو تن جان را مزین کن به علت دین که زشت آید  
درون سو شاه عریان و برون سو کوشک در دیبا  
(همان: ۵۶)

## ۶- نتیجه‌گیری

بازخوانی اشعار سنایی بر اساس نظریه پیتر بلاو، نشان می‌دهد که سیر پدید آمدن دوران شکوفایی علم اندوزی و خردورزی از فراگرد تبادلی در روابط بین فردی آغاز می‌شود و تا ایجاد مشروعیت و سازمان‌یافتگی و رواج آن در جامعه، منجر می‌شود. سنایی در عصری می‌زیست که دوران شکوفایی علم و خردورزی بود؛ بنابراین، همواره سعی می‌کرد در سروده‌هایش، این مضمون را خالی نگذارد. سنایی در لابه‌لای سروده‌های تعلیمی خود، تصویر پسندیده‌ای از علم‌اندوزی و خردورزی به نمایش می‌گذارد و در عوض، جهالت و نادانی مردم زمانه‌اش را به باد انتقاد می‌گیرد.

طبق خوانش نظریه تبادلی پیتر بلاو، سنایی در سروده‌های خود، از تبادل بین فردی، آگاهی بخشی خود را نسبت به افکار مخاطبانش آغاز کرده و با این کار، افکار آن‌ها را بیدار می‌سازد. او بعد از بیدارسازی افراد در گام نخست نظریه بلاو، درصدد نشان دادن وجوه تمایز در مقامات طرفین موجود در دو جبهه مخالف است. نشان دادن این‌گونه تمایزات نیز کوششی دیگر در جهت بیداری مردم است. او در این گام، خودش و هم‌فکرانش را در جبهه خردورزان و طرفداران علم‌اندوزی و مخالفان خود را در جهت دیگر، با صفات جهالت و ادعا به داشتن علم و دانش نشان می‌دهد.

در گام بعدی، پس از نشان دادن دو طبقه جاهلان و عالمان، قضاوت می‌کند و حتی این قضاوت را به عهده مخاطبان نیز می‌گذارد تا بگویند حق مشروعیت با کدام

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتر بلاو» ۱۳۷

گروه است، بنابراین، این گروه، به همراه خود شاعر، حق محکومیت گروه مقابل خود را دارند تا اعمال زشت آن‌ها را به تصویر بکشند. سرانجام، در گام پایانی، سود و ضرر را در مبادلات، نشان می‌دهد تا بتوانند راه درست و پر منفعت را از راه زیان‌بار تشخیص دهند.

## ۷- منابع و مأخذ

### کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم (۱۳۸۲). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ نهم، قم: انتشارات فاطمه الزهرا.
- ۲- اشرف زاده، رضا (۱۳۸۷)، آب آتش فروز (گزیده حدیقه سنایی)، چاپ نهم، تهران: جامی.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۸)، غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ترجمه و تحقیق از هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، ج ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۵- بویس، مری (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس.
- ۶- پیشگر، احدپور و محمد ابراهیم نمین (۱۳۸۸)، ثنای سنایی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
- ۷- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۲)، برهان قاطع، ج ۲، به اهتمام محمد معین، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- ۸- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵)، اوستا، ج ۱، تهران: مروارید.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید.
- ۱۰- ریتز، جورج (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ۱۱- ریتز، جورج (۱۳۹۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتربلاو» ۱۳۸

۱۲- سنایی، محدودین آدم (۱۳۸۰)، دیوان اشعار، به کوشش مدرس رضوی، تهران: امیرکبیر.

۱۳- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۲)، تازیانه‌های سلوک، تهران: آگاه.

۱۴- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی شعر، تهران: میترا.

۱۵- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات ایران. ج ۱، تهران: فردوس.

۱۶- علمداری، کاظم (۱۳۸۷)، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: نشر توسعه.

۱۷- فتوحی، محمود و علی‌اصغر محمدخانی (۱۳۹۵)، شوریده‌ای در غزنه، تهران: انتشارات سخن.

۱۸- فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۱)، فرهنگ زبان پهلوی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹- کاشانی، عزالدین محمود بن علی (۱۳۸۹)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، چاپ چهارم، تهران: زوار.

۲۰- کانت، ایمانوئل (۱۳۷۸)، درس‌های فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نقش و نگار.

۲۱- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۶)، طلیعه تجدد در شعر فارسی. تهران: مروارید.

۲۲- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه غرب، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۲۳- ناس، جان (۱۳۷۲)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ سوم، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

۲۴- وفایی، عباسعلی (۱۳۸۷)، درنگی بر نظریه ادبیات متعهد و پایداری، تهران: انتشارات سخن.

۲۵- هرن، پاول؛ هوبشمان، هانریش (۱۳۹۴)، فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی، ترجمه و شواهد فارسی و پهلوی از جلال خالقی مطلق، تهران: مهرافروز.

مقالات

بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبادلی «پیتربلاو» ۱۳۹

۱- حلبی، علی اصغر و نعمت اصفهانی عمرانی (تابستان و پاییز ۱۳۹۰). «نقد جهل و خرافه گرایی در شعر معاصر»، مجله پژوهشنامه ادب حماسی، سال هفتم، شماره ۱۱، صص ۲۱۵-۲۳۸.